

# گفتگوهای گزارشگران درباره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان - گفتگو با شروین رها



گزارشگران:

یک ماه پس از برگزاری فراندوم استقلال در اقلیم کردستان عراق، کرکوک طبق یک عملیات کوتاه و بدون مقاومت در اختیار نیروهای ارتش عراق و شبه نظامیان حشدالشعبی قرار گرفت. پرچم کردستان را که پیشمرگه های کرد در این شهر به اهتزاز درآورده بودند پانین کشیدند و پرچم عراق را بالا بردند. انتظار میرفت که پیشمرگه های کرد در برابر این نیروها مقاومت بخرج دهند و اینطور نشد. بسیاری معتقدند که خیانت شده است و رهبران کرد را مقصر میدانند. آیا این واقعه میتواند سراغاز جنگی دیگر و جابجایی بحران در کشور عراق شود؟ آیا دست هایی در کار است تا عراق را نیز سوریه ای کند؟ با فعالین و صاحب نظران سیاسی به گفتگو نشستیم.

**شروین رها از فعالین کارگری در تبعید است. با او گفتگو می کنیم**

درد به شما

شروین رها: با تشکر از سایت گزارشگران برای انجام مصاحبه .

گزارشگران: اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسی با اکثریت قاطع به استقلال آن رای داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیانا دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تائید این حق بطور کلی اما برگزاری این فراندوم را در شرایط بحرانی کنونی بلحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آنرا چگونه ارزیابی کردید؟

شروین رها:

این را نمی توان کتمان کرد که در همه پرسی کردستان عراق برای استقلال، اکثریت قاطع شرکت کننده گان در آن رای مثبت دادند و این در هر چهار قسمت کردستان، که هر گونه استقلال کردها از دولت مرکزی همواره و به اشکال مختلف توسط رژیمهای حاکم پایمال و سرکوب شده است، مورد استقبال قرار گرفت . اما طرح فراندوم در کردستان عراق یعنی مراجعه به آراء مردم بخودی خود چیزی را تعیین نمی کند . باید دید فراخوان به همه پرسی در چه شرایطی و با چه اهداف معین سیاسی صورت میگیرد.

گزارشگران:

در برابر این پروژه ( همه پرسی ) صفبندی های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوختی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی میگویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه ی ببینید؟

شروین رها:.

با اتخاذ سیاست های حاکم بر دولت های با نفوذ سرمایه داری در عرصه رقابت های جهانی و نیز دولت های منطقه در کم رنگ کردن ارتجاع داعش ، با عروج نیروی فراجزبی ترامپ در راس سیاست دولت امریکا که نشان از افول هر چه بیشتر هژمونی امریکا در پیشبرد نظام سرمایه داری جهانی دارد و با توجه به این که هر دولت و نیرویی با مشارکت در هر پروژه ای در درجه اول سهم خود را تعقیب می کند ومنجمله در عروج و افول داعش که عملکرد کشورهای منطقه همچون عربستان و ایران و ترکیه و نیز دولت اقلیم را شاهد بودیم و با توجه به اینکه شکل گیری جغرافیای سیاسی منطقه به درجه ای از ثبات نرسیده است ، اینها عواملی بودند که با طرح فراندوم در کردستان عراق نیز خود را به اشکال مختلف نشان داد . بعد از به عقب راندن داعش در کرکوک که نیروی نظامی دولت اقلیم کردستان در آن نقش فعالی ایفا کرد فرصتی مناسب برای گرفتن امتیاز بیشتر دولت اقلیم کردستان از دولت مرکزی فراهم شد چرا که به جز دورانی کوتاه دولت

اقلیم کردستان که امور کردستان عراق را اداره می کرد دسترسی به منطقه نفت خیز کرکوک نداشت . در پاسخ به سوال شما شواهد نشان میدهد که فراخوان همه پرسی استقلال که توسط پارزانی صورت گرفت و بر احساسات مردم در جامعه انگشت گذاشته بود، به چند دلیل مشخص بوده است . بحران سیاسی دولت اقلیم و اختلافات درونی احزاب در کردستان و به تبع آن استفاده از موقعیت بدست آمده در عقب راندن داعش در کرکوک توسط نیروی نظامی کردستان و تحکیم دولت اقلیم کردستان . این فراخوان و طرح استقلال با وجود شرکت اکثریت جامعه در آن به طور واقعی ربطی به منافع کارگران و زحمتکشان کردستان و یا ایجاد اندکی بهبود در نحوه زندگی آنها ندارد.

گزارشگران:

شهر نفت خیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و بخشا کنترل میشد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آنها خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابجانی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

شروین رها:

به دلایل مختلف سیاسی در کردستان عراق بعد از به عقب راندن داعش و نیز اهمیت اقتصادی نفت کرکوک ، موقعیتی برای سهم خواهی بخشی از بورژوازی کرد بوجود آمد که فراخوان پارزانی را در چنین شرایطی می بایست ارزیابی کرد. اما گرایشات بورژوازی در کردستان یکدست نیست و اکثرا در تنش بین نیروهای اصلی آن یعنی حزب دموکرات کردستان عراق و اتحادیه میهنی کردستان و نیز گوران خود را به اشکال مختلف نشان داده است . حزب دموکرات کردستان عراق و پارزانی رابطه ای نزدیک با حزب حاکم ترکیه داشته است و اتحادیه میهنی و جلال طالبانی با جمهوری اسلامی در ایران . هر چند اکثریت مردم کردستان در همه پرسی جواب مثبت دادند ولی در همان طرح رفتارند اختلاف نیروهای سیاسی حاکم در کردستان نیز خود را نشان داد و موقعیت واحدی را در آن جستجو نمی کردند. با حمله نیروی نظامی دولت عراق و شیعیان حشدالشعبی و حمایت رژیم اسلامی ایران به کرکوک مقاومت های پراکنده ای صورت گرفت که به هیچ یک از احزاب حاکم مربوط نبود و اساسا مقاومتی در برنامه آنها نبوده است. با استقرار دولت عراق و حامیانش در کرکوک شادی زودگذر شرکت در رفتارند جای خود را به نگرانی داد . دولت اقلیم سریعا عقب نشینی کرد و اختلافات احزاب در کردستان بالا گرفت تا حدی که گوران خواهان جایگزینی دولت اقلیم با دولتی دیگر است .

گزارشگران:

نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را بزیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا بنظر شما کرکوک آبستن بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

شروین رها:

هر چند کرکوک در منطقه کردستان عراق قرارگرفته است ولی در کنار کردها عرب ها ، ترکمن ها و آشوری ها در آن سکونت دارند و از آنجا که یکی از مناطق مهم اقتصادی ( بدلیل استخراج نفت ) بشمار میرود، مسلمان مورد توجه نیروهای مختلف نه تنها در عراق بلکه در کل منطقه خواهد بود . دامن زدن به اختلافات ملی و مذهبی همیشه ابزاری برای سرمایه داری بوده است و در منطقه و عراق نیز همین خواهد بود . چه تمرکز خواهی دولتی مرکزی برای سرمایه داری در عراق و چه سهم خواهی بیشتر بورژوازی کرد بر سر مناطق نفتی کرکوک در دامن زدن و تشدید اختلافات بین کارگران و مردم زحمتکشی که سالیان در کنار هم زیسته اند خود آبستن بحران و جنگ در آنجا خواهند بود. به جز این اختلافات احزاب در کردستان بالا گرفته و به احتمال زیاد اوضاع سیاسی کردستان و نیز حکومت اقلیم در آن به شکل کنونی ادامه نخواهد یافت .

گزارشگران:

گفته میشود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

شروین رها:

بموازات رشد و گسترش ارتجاع داعش ( سنی و سلفی ) تحت عنوان خلافت شام و عراق شاخه دیگر ارتجاع مذهبی شیعه ( پیش تر از داعش ) از طرف جمهوری اسلامی فعالیت داشته و سالهاست نام قاسم سلیمانی در کردستان عراق و در کنار جلال طالبانی با هم تداعی شده اند . مرکز قدرت پارزانی و حزب دموکرات در اربیل و مرکز اتحادیه میهنی و جلال طالبانی در سلیمانیه بوده است . لشکر کشی نیروهای نظامی دولت عراق و حشد الشعبی و حمایت رژیم ایران به کرکوک مورد حمایت بخشی از اتحادیه میهنی قرارگرفته است . گویا اتحادیه میهنی به دو بخش تقسیم شده است و جریان حاکم در آن که جلال طالبانی سخنگوی آن بوده است همکاری با دولت عراق را در برنامه خود داشته اند . اظهارات جلال طالبانی هم قبل از مرگ دال بر همکاری کردها با دولت مرکزی در عراق بوده است . در واقع اتحادیه میهنی و جلال طالبانی راه ورود رژیم اسلامی ایران ، قاسم سلیمانی و دیگر نظامیان سپاه را باز کردند و رابطه ای کاملن دوستانه با هم داشتند . اهمیت طالبانی برای جمهوری اسلامی تا این حد بود که وزیر خارجه و سلیمانی را بر سر مزارش حاضر کنند.

گزارشگران:

نقش و جایگاه کشورهایمانند آمریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

شروین رها:

قبل از پاسخ به این سوال لازم است مقدماتی به نکاتی اشاره کنم. بحران اقتصادی سرمایه داری دوره حاضر که از سال 2008 در آمریکا خود را بروز داد و به سرعت جهان را فراگرفت کماکان ادامه داشته و بیکی از بحرانهای دراز مدت نظام سرمایه داری تبدیل شده است. اگرچه شرایط انقلابی بر جهان حاکم نیست ولی این بحران بی افقی سیاست های سرمایه داری را به نمایش گذاشته است. انباشت سرمایه که با اتخاذ سیاست های اقتصادی نئولیبرالی منافع اکثریت جمعیت کره زمین را به ورطه نابودی کشانید اکنون درگیر چنان بحرانی شده است که به جز جنگ و کشتار و تعرض به هستی انسانها راهی برای رها شدن از بحران در آن موجود نیست. در مقابل این بربریت سوسیالیسم تنها گزینه ای است که می تواند در صورت سازمانیابی طبقه کارگر بحران اجتماعی را فرونشاند. سیاست راست افراطی در آمریکا و اروپا و اتکا به ارتجاعی ترین حکومت ها در منطقه عرصه را برای زندگی اکثریت جامعه تنگتر خواهد کرد. در چند سال گذشته که موش داعش در منطقه دوانیده شد مقاومت کوبانی در مقابل آن نوری در تاریکی بود و بی جهت نبود که گرایش آزادیخواهانه به صورت اجتماعی در جهان حمایت خود را به اشکال مختلف از آن نشان داد (در همین جا تذکر این نکته ضروری است که عملکرد ارتجاعی دولت اقلیم و احزاب کردستان عراق در رابطه با استقامت کانتونهای کوبانی در مقابل داعش نیز فراموش نمی شود). سازمانیابی داعش در منطقه و گسترش آن توسط دولت های سرمایه داری و ارتجاع منطقه هدفی معین داشت. وضعیتی ایجاد شد که سرمایه داری بتواند در آن فرصتی برای رفع بحران داشته باشد و شکل گیری جنبش ها و اعتراضات ضد سرمایه داری را تحت نام امنیت و کنترل مانع شده و بالطبع موجه شدن ضرورت قوانین سخت تر بر جوامع را اعمال کند. حضور سیاسی ترامپ در راس سیاست دولت آمریکا و نیز حلقه قوی راست افراطی در اروپا، اتکا به سیاست های ارتجاع مذهبی در منطقه در هر حال نشان از ناتوانی سرمایه و سیاست های لیبرالی و سوسیال دموکرات دارد. در عین حال تشدید رقابت های سرمایه داری از محدوده دو یا چند قطب خارج و میدان وسیع تری پیدا کرده است. با این تصویر و در جریان همه پرسی کردستان عراق سیاست یکدست و با ثباتی در میان آمریکا و اروپا و اسرائیل و عربستان و حتی ایران و ترکیه موجود نبود. اسرائیل که تلویحا از وجود رژیم اسلامی می نالد خود مکمل آن و با حضور آن تعریف می شود. یا عربستان که یک پا در رقابت با ایران دارد و از طرف دیگر حامی دولت عراق است. ترکیه نیز با وجود رابطه سیاسی و اقتصادی با پارزانی اولویت را به دولت متمرکز عراق می دهد.

امریکا و اروپا با وجود استفاده گوناگون از منطقه کردستان عراق و تعریف و تمجید از پارزانی اولویت را به جای رفتارندم به همکاری وی با دولت عراق دادند. عربستان بعد از اشغال کرکوک توسط دولت عراق خواهان همکاری بیشتر با آن شده است.

حتی دولت اسرائیل که مثل دولت آمریکا و دولت های اروپایی بخصوص آلمان از موقعیت کردستان عراق تاکنون بخوبی استفاده کرده و حتی در زمینه نظامی تحت عنوان کمک در آموزش نظامی پیشمرگان کرد و غیره سودهای هنگفتی را پارو کرده اند ولی در چهارچوب منطقه و دولت عراق و پارزانی به نیرویی اتکا دارند که در چهارچوب منافع عمومی سرمایه کم خرج تر باشد و این نمی تواند پارزانی باشد. وضع به نوعی و در توازن قوایین دولت ها در منطقه برای روسیه نیز بر همین منوال است. سرمایه داری اساسا بر مبنای قواعد درونی اش نمی تواند هیچ سیاستی را امثال استقلال کردستان عراق خارج از مسیر خویش برتابد، حتی اگر نیروی اصلی آن پارزانی و یا بورژوازی کرد باشد و بر عکس آن هم استقلال کردستان عراق بدون تعیین قرار و مدار با دولت های منطقه نمی تواند محقق شود و این را دو طرف شرکت کننده در بازی می بایست رعایت کنند.

گزارشگران:

آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش میتواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه ببینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتار دیگر از طریق گفتگو را میدهد؟

شروین رها:

مسئله وضعیت حاضر نه تنها به بحران سرمایه داری و انعکاس آن در منطقه کمکی نمی کند بر عکس آن را تشدید خواهد کرد.

اینکه در چنین فضایی داعش بتواند با تجدید سازماندهی و تغییر آرایش قوایش موقعیت خود را به سابق برگرداند بعید است. نه اینکه داعش و نیروی فی الحال موجودش تلاشی نمی کنند، همچنانکه طالبان کماکان در افغانستان موجود است و همین هفته گذشته با انفجارهای پی در پی وجود خود را به روز کرد. القاعده و طالبانها و نیز داعش با هدف معین سیاسی و در پاسخ به شرایط خاصی شکل گرفتند و استفاده بهیمنی از آنها صورت گرفت و اگر هم به اقتضای شرایط و رفع کاربریشان اکنون از جلو صحنه سیاسی کمرنگ شده اند، ولی همچنان بازیگرانی در منطقه خواهند داشت. اما چشم انداز در منطقه جدا از چشم انداز اوضاع سیاسی جهان نیست. بحران اقتصادی سرمایه داری در جهان و منطقه سیر فروکشی نخواهد داشت و مسلمان بدون جنگ و تشنج در منطقه قابل تصور نخواهد بود. چنانچه سرمایه داری به چنان ثباتی برسد که به مسیر افول بحران نایل آید و گرایشهای موجود در آن به درجه ای از همگرایی برای بازسازی رشد انباشت سرمایه برسند مسلمان در منطقه نیز شواهد این انسجام بدور از جنگ آشکار می شود. اما رشد و امنیت برای سرمایه داری درخاموش کردن توقعات انسانی و استفاده بهیمنی بسیار بالا از نیروی کار ارزان جوامع خواهد بود تا آنگاه در درون خود به توافقاتی بر سر تشنج زدایی در رقابت هایشان برسند. اما در قرن بیست و یک و در حالی که سرمایه داری از تمامی ظرفیت هایش بهره جسته است امکان پذیر نیست و بیشتر می توان گفت مدتهاست نافوس مرگ جاندادن این نظام فرا رسیده است. به عبارتی سرمایه داری به پایان خط رسیده است ولی بدین معنا نیست که سوسیالیسم حی و حاضر است. و اینجاست که می توان قطعاً گفت متأسفانه سرمایه داری همچنان قربانی میگردد. لذا منطقه در حال حاضر بدون جنگ قابل تصور نخواهد بود و کردستان عراق هم بخشی از آن است.

گزارشگران:

چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفا مطرح کنید

شروین رها:

اگر فراخوان بارزانی تحت عنوان همه پرسى استقلال كردستان عراق ابتدا مورد استقبال اكثریت مردم كردستان شد و روحیه حاكم بر این تصور بود كه استقلال یعنی حداقل رها شدن از ديكتاتورى دولت عراق و به نوعی ديكتاتورى های موجود در کشورهای ایران و ترکیه و سوریه ، اما سیر شواهد و مذاکرات بموازات فراخوان، نشان داد كه فراخوان رفراندم همگانی در كردستان نه به اتكای منافع اكثریت جامعه كه استفاده از رای همگانی برای فشار به منظور سنگین كردن سهم دولت اقلیم كردستان در مقابل دولت مرکزی بوده است . به عقب راندن داعش در منطقه و بویژه كركوك كه نیروی نظامی دولت اقلیم در آن سهمی ایفا كردند بارزانی و حزب دموكرات را بر آن داشت تا تنور داغ است آن را بچسبند و ترازوی بورژوازی ضعیف كرد از این موقعیت را سنگین كنند . با موقعیت شكنده سالهای اخیر چه در جامعه و ایجاد فقر و فلاكت و فساد اجتماعی در آن و چه بحران سیاسی در دولت اقلیم و پارلمان و .. این فراخوان تلاشی بود ( با شناخت از احساسات جامعه در استقلال خواهی ) كه می خواست موقعیت دولت اقلیم در كردستان را قوی تر كند .

درتقابل دو نیروی بغداد و اربیل چه قبل و چه بعد از رفراندم ( به استثنای روز رفراندم ) سیر حوادث نشان داد كه خواست بارزانی و دولت اقلیم و بورژوازی كرد از اعتماد به نفس برخوردار نیست و با اشغال كركوك شكنده گی خود را بزودی نشان داد . توافقاتی در سازمان ملل و نیز قرارهای فی مابین دولت های مختلف در سطح جهانی و نیز منطقه نوشته و نانوشته جانب دولت مرکزی عراق را گرفت . دولت های ایران و ترکیه با فشار سیاسی و نظامی و تهدید اقتصادی، و حمایت اسد از آنها در كنار دولت عراق فصل مشترک آنها بر علیه طرح هر گونه استقلال خواهی در كردستان بود. دولت های اروپایی و امریکا و حتی اسرائیل به ظاهر كجدار و مریز عملن منافع منطقه ای خود را در حمایت از تمرکز در دولت عراق و هماهنگی بارزانی با آن قرار دادند و نیز اختلاف احزاب ناسیونالیست كرد بخشی را عملن به حمایت از دولت مرکزی عراق واداشت . این نکته نباید نادیده گرفته شود كه ترجیح دولت های امریکا و اسرائیل و اروپا ، روسیه و چین در منطقه وجود رژیمهای ارتجاع مذهبی است.

احزاب ناسیونالیست و ملی گرا در كردستان كه منافع بورژوازی كردستان را نماینده گی می كنند قادر به هیچ درجه ای از استقلال خواهی نیستند وهمواره با فشار و مذاکره در رابطه با دولت های ديكتاتورى سیاست های خود را پیش برده اند . نمونه های تاریخی آن چه از جانب حزب دموكرات كردستان ایران با رژیم اسلامی و ی پ ك ك در ترکیه با دولت اردوغان و حزب دموكرات كردستان عراق و اتحادیه میهنی با رژیم صدام را شاهد بوده ایم. بعداز برداشتن رژیم صدام توسط امریکا نیز كردستان عراق به جایگاهی برای اتخاذ سیاست های دولت امریکا تبدیل شد و حزب دموكرات كردستان عراق و اتحادیه میهنی در این چهارچوب پادویی بیش نبودند . با دلارهای امریکا چنان فاسد و فربه شدند كه اكثریت جامعه كردستان را در تنگنا ی معیشتی قرار دادند و فضای فاسدی را برای آنها به ارمغان آوردند. فراخوان همه پرسى دولت اقلیم و بارزانی در عین حال تلاشی برای رفع بحران سیاسی و اجتماعی است كه مدتهاست دامنگیر آنها شده است .

استقلال ، حق تعیین سرنوشت و یا اصولن رفع ستم ملی در كردستان ( كه البته در كردستان عراق كه چندین سال است كه حكومت اقلیم كردستان بر جامعه كردستان مسلط است رفع ستم ملی بی معنا است ) تنها با اتكا به منافع اقتصادی اكثریت جامعه گره خورده است كه آن هم در شرایطی عادی متصور نخواهد بود . رای به جدا شدن یا نشدن تابع منافع اكثریت جامعه یعنی كارگران و زحمتكشان است كه در آن رفع تمامی ستم ها منجمله ستم ملی به عنوان ضرورتی طبقاتی متحقق شود . تشكلیابی كارگران و زحمتكشان در كردستان عراق با هر درجه اجتماعی می تواند آن نیرویی باشد كه با افق مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری و رفع ستم ملی مسیر نحوه زندگی برای آینده كردستان را تامین كند.بی شك تجربه اخیر هم درسی برای این امر تاریخی است كه منافع اكثریت جامعه در كردستان عراق با اتكا به نیروی اجتماعی خود یعنی اتحاد كارگران وزحمتكشان می تواند ضمانتی برای تعیین نحوه زندگی در آنجا باشد. كردستان عراق سالهاست این تجربه را از سر گذرانده است و چیزی كه دولت اقلیم را از اكثریت جامعه جدا كرده است تفاوت آشكار طبقاتی و تفاوت میزان سهم در امکانات مادی جامعه است .

با سپاس از شما رها گرامی

30.10.2017

[www.gozareshgar.com](http://www.gozareshgar.com)